

بلاک چین به کجا می رود؟

نگاهی به نوع تغییرات محیط پیرامون ما و جهت پیشرفت جهان بشری به سمت آنچه انبوه زدایی - - نامیده می شود، این مساله را برای ما روشن خواهد ساخت که هر گونه مقابله با تکنولوژی بلاک چین و ارزشهای رمزنگاری شده، آب در هاون کوبیدن است.

در سال ۱۸۶۵ میلادی، سردبیر یک روزنامه ی آمریکایی در سرمقاله اش نوشت: اشخاص کاملا مطلع و آگاه می دانند که امکان انتقال صدا از طریق سیم امری محال است و حتی اگر بر فرض محال چنین چیزی هم عملی شود، هیچ فایده ی علمی در بر نخواهد داشت! حدود ده سال بعد تلفن از آزمایشگاه الکساندر گراهام بل سر بدر آورد و جهان را دگرگون ساخت.

یک اختر شناس و ریاضیدان بسیار مشهور کانادایی به نام در مقاله ی معروفی نوشت: هیچ یک از ترکیبات احتمالی عناصر شناخته شده، هیچ یک از اشکال ماشین ها و شکل های شناخته شده ی انرژی را نمی توان طوری با هم تلفیق کرد و از آن ها ماشینی ساخت که انسان به کمک آن بتواند مسافت های طولانی را در هوا پرواز کند! کمتر از یک سال بعد از این نقل قول، برادران رایت - - با اولین هواپیمای جهان به هوا برخاستند.

از همه بدتر، پیش بینی ارنست رادرفورد - - کاشف و پدر ساختار هسته ی اتم بود. وی در سال ۱۹۳۳ میلادی، پیش بینی کرد که انرژی موجود در هسته ی اتم هرگز آزاد نخواهد شد!

اما تنها ۹ سال پس از این پیش بینی، اولین واکنش زنجیره ای هسته ای به وقوع پیوست. به جرات می توان گفت که اگر این پیش بینی رادرفورد، بسیاری از دانشمندان جوان را مایوس نکرده بود، شکافت هسته ی اتم بسیار زودتر اتفاق می افتاد.

۲۵ سال قبل که من سه پاراگراف بالا را در کتاب تاثیرگذار و مهم شوک آینده نوشته ی آلون تافلر خواندم، از دانستن این مطلب که شخصی مثل سایمون نیوکام و از آن مهمتر دانشمند بزرگی مثل ارنست رادرفورد - که قهرمان علمی آن دوران من بود - ممکن است اشتباه به آن بزرگی کند، کل پس زمینه ی فکری ام به هم ریخت.

این به هم ریختگی پس زمینه ی فکری ، بعدها خیلی به کار من آمد (بسیار لازم است که هر چند وقت یک بار در افکار و عقایدمان یک خانه تکانی مفصل کنیم یا چیزی باعث این خانه تکانی مفصل بشود!)

سال ها قبل، وقتی در بورس تهران شروع به تحقیق در زمینه ی - - یا استفاده از علوم روحی در بازار سرمایه - کردیم، دانشمندان درجه یکی را داشتیم که وجود ارتباط با ارواح (با تعریف و متدلوژی خاص غربی آن) را تایید کرده بودند. کتاب معروف انسان روح است نه جسد، لیست بسیار قابل توجهی از این دانشمندان به دست داده بود: سر اولیور لوج - سر آلفرد راسل والاس - ویلیام جیمز و قس علیهذا - کسانی که عقایدشان را در حیطه ی تخصصی شان مورد قبول کلیه ی دانشمندان دیگر بود.

لیکن با همان پس زمینه‌ی به هم ریخته‌ی فکری (عقاید خانه تکانی شده) به زودی دریافتیم که به احتمال بسیار بالا این دانشمندان نیز در این زمینه راه به خطا رفته‌اند. تحقیقات علمی (خصوصاً تحقیقی که توسط دانشگاه هاروارد راهبری شد)، همگی بر این صحنه می‌گذاشت و قهرمانان کتاب انسان روح است، نه جسد مثل خانم کراندن و اسپیا پالادینوی معروف از قرار معلوم در گفتار و کردار خود صادق نبودند و به راحتی توانسته بودند حتی دانشمندان خوش فکر را نیز تحت تاثیر قرار دهند.

از مقدمه‌ی بالا می‌خواهم به دو نتیجه برسم:

- اول اینکه خیلی نباید پیش‌بینی‌هایی که قدرت انسان را در انجام کارها و رسیدن به رویاهایش محدود می‌سازد، جدی گرفت.

- دوم اینکه حتی برترین دانشمندان جهان هم ممکن است حرف‌هایی زده باشند و یا ایده‌هایی داشته باشند که سرتاسر اشتباه باشد.

از نظر من صحبت‌های برخی مشاهیر بازار سرمایه‌ی جهان راجع به بی‌فایده بودن بلاک چین، قلابی بودن بیت کوین و حبابی بودن قیمت کریپتو کارنسی‌ها نیز در ردیف همین‌ها قرار می‌گیرد:

استیون روچ - اقتصاد دان نامی - در مصاحبه‌ای بیت کوین را حباب بزرگ و خطرناک نامید - رابرت لئونارد گفت بیت کوین یک حباب نیست، خیلی بدتر از یک حباب است! - بسیاری از روسای بانک‌های مرکزی جهان، در مقابل بیت کوین جبهه گرفته و آن را بسیار خطرناک و پرخطر ارزیابی کرده‌اند - بسیاری از سرمایه‌گذاران نامی به بیت کوین خندیده‌اند و هرگز آن را وارد سبد سهام خود نساخته‌اند.

بانک مرکزی ایران نیز اخیراً خرید و فروش ارزهای دیجیتال را ممنوع کرد و به طور گسترده سایت‌های خرید و فروش کریپتوکارنسی‌ها و سایر ارزهای الکترونیک فیلتر شدند و درگاه‌های بانکی آن‌ها مسدود شد(در واقع بانک مرکزی ما، قبل از رییس جمهور آمریکا و اسرائیل دست به تحریم خود زد)

نگاهی به نوع تغییرات محیط پیرامون ما و جهت پیشرفت جهان بشری به سمت آنچه انبوه زدایی - - نامیده می‌شود، این مساله را برای ما روشن خواهد ساخت که هر گونه مقابله با تکنولوژی بلاک چین و ارزهای رمزنگاری شده، آب در هاون کوبیدن است.

به نظرم، اساتیدی که بیت کوین را یک حباب بزرگ می‌خوانند، این قسمت از پیشرفت جامعه‌ی جهانی و سمت و سوی تغییرات نوین بشر را نادیده گرفته‌اند. آشنایی با این سمت و سو، ما را به این نتیجه خواهد رساند، که تکنولوژی بلاک چین و فرزند کوچک آن بیت کوین یا هر کریپتوکارنسی دیگر، تکنولوژی غالب آینده‌ای خواهد بود که به سمت انبوه زدایی می‌رود.

انبوه زدایی - یا تمرکز زدایی و یا مرجعیت زدایی () به زبان ساده به معنی باز توزیع دانش، قدرت و ثروت در بین بلوک‌ها (یا تک تک آحاد) یک زنجیره از بلوک‌ها (یا جامعه) می‌باشد.

دو - سه سال قبل سریال طنزی از تلویزیون پخش شد به نام در حاشیه، ساخته‌ی آقای مهرازی که عملکرد پزشکان را در قالب طنز به انتقاد کشیده بود. این سریال -خواسته یا ناخواسته- در جهت انبوه زدایی - - حرکت می‌کرد و به همین خاطر نیز از سوی پزشکان (این خدایان سفید پوش!) با مخالفت‌های فراوانی روبرو شد. حتی وزیر بهداشت وقت با آن مقابله کرد و از مسئولین مربوطه

خواست که این سریال که هیبت پزشکان را از بین می‌برد، ادامه نیابد.

هیبت زدایی یکی از مظاهر انبوه زدایی است و پیشرفت جامعه‌ی بشری به سمت زدودن هر بیشتر هیبت‌ها و انحصارات نشانه‌گذاری شده است.

تا همین ۴۰ - ۵۰ سال قبل، منابع پزشکی، همچون کتب اوراد و جن‌گیری، در پستو نگهداری می‌شد و جز پزشکان که خود را حکیم می‌نامیدند، کسی به آن‌ها دسترسی نداشت. عموماً در تمام نقاط دیگر دنیا نیز همین طور بود. پزشک برای خود یک رب‌النوع بود که بیماران مجبور به پرستش مقام او بودند. به تدریج که کتب پزشکی همه‌گیر شد و راه درمان بیماری‌ها در همه جا - علی‌الخصوص اینترنت - پخش شد، مقام رب‌النوعی پزشکان نیز تقریباً در تمام کشورهای جهان اول با چالش مواجه شد (بماند که در کشورهای کمتر توسعه یافته که هنوز انبوه زدایی جای خود را بخوبی پیدا نکرده، همچنان بیماران ساعت‌ها مجبورند در انتظار چند دقیقه ویزیت این خدایان سفید پوش وقت خود را تلف کنند) در کشور خودمان ایران نیز می‌بینیم که طلعه‌های این چالش کم‌کم هویدا شده است (یک مثال آن محکوم شدن پزشک معالج آقای عباس کیارستمی).

منابع فراوان علمی قابل دسترس همگان، دستگاه‌های فشار خون که اکنون در هر خانه‌ای یافت می‌شوند، دستگاه‌های اندازه‌گیری قند خون که اکنون همه جا در دسترس هست و ده‌ها اختراع و اکتشاف بشری در این زمینه، همه در جهت انبوه زدایی علم پزشکی بوده است. امکاناتی که تنها دو دهه‌ی قبل کسی فکر داشتن آنها را نیز نمی‌کرد.

نه فقط پزشکی که تمام علوم و رشته‌ها و انحصارات و هیبت‌ها، همه در حال زدوده شدن هستند و جهت پیشرفت بشری همواره به این سمت بوده است. تقریباً در تمام زمینه‌های علمی، دانشی که به شدت تحت انحصار متخصصان قرار داشت، رفته رفته از کنترل آنها خارج می‌شود و در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

تا همین چند سال قبل، بعد از نوشتن هر متن آرزوی هر نویسنده‌ای این بود که چند نفر پیدا شوند و نگاهی به متن او بیندازند. اما دریغ از حتی یک نفر. یعنی چطور می‌شد متنی را نوشت؟ چطور می‌شد آن را منتشر کرد؟ چطور می‌شد برای متنی که نوشته‌ای خواننده‌ای پیدا کرد؟

اما جهت پیشرفت بشری، به سمت انبوه زدایی اکنون کار را به غایت آسان ساخته است. انتشار هر متن که زمانی تنها در انحصار انتشاراتی‌ها و مطبوعاتی‌ها بود، اکنون در اختیار هر کسی، حتی کودکان است. هر چه می‌خواهی بنویس و از طریق همین تلگرام یا ده‌ها پیام رسان و وبلاگ و شبکه‌ی اجتماعی دیگر در بین ده‌ها - صدها - هزارها و میلیون‌ها نفر منتشر کن. صاف و ساده! مفت و مجانی! دیگر خبری از انحصار چاپ‌گرها و چاپ‌چی‌ها و انتشاراتی‌ها نیست. دیگر امکان ممیزی وجود ندارد.

زمانی بود که پخش هر فیلم و ویدئو منحصر در اختیار صدا و سیما بود و اکنون پیشرفت بشری در قالب انبوه زدایی و انحصار زدایی، تک تک مردم را توانا ساخته که خود هر کدام یک صدا و سیما باشند. پیشرفت بشری ما را توانا ساخته که هر کدام برای خود یک تلویزیون، یک رادیو و یک رسانه‌ی مستقل باشیم. دیگر هیچ مرکزی، انحصار رسانه را ندارد. رسانه توزیع شده و از تجمع انبوه به در آمده است. این همان حرکت پیشرفت بشری به سمت انبوه زدایی است. تکنولوژی انحصار صدا و سیما و هر مرجع رسانه‌ای دیگر در هر جای دنیا را در هم شکسته است.

نویسنده: فرهاد مقدم سلیمی - کارشناس بازار سرمایه و ارزش‌های الکترونیک